

نقش دولت پهلوی دوم در امنیت خلیج فارس و دریای عمان

محمدجعفر چمنکار

◆ چکیده

با تحکیم دولت پهلوی دوم، زمینه‌های تدریجی برای افزایش نقش‌آفرینی امنیتی در سرحدات خلیج فارس و دریای عمان مهیا گردید. توسعه نقش‌آفرینی ایران در منطقه خلیج فارس در دهه ۵۰ شمسی روند شتابانی به خود گرفت که از عوامل به هم پیوسته خارجی و داخلی تأثیر پذیرفته بود. هدف نوشتار حاضر، بررسی عوامل گوناگون مؤثر بر این دگرديسی در واپسین دهه حیات این حاکمیت است. بر این اساس، ایران تحت تأثیر شدید این عوامل به سرعت به یکی از قدرت‌های نظامی منطقه‌ای تبدیل شد و در راستای اهداف پنهان و آشکار دولتمردان واشنگتن و اندیشه‌های حکومت شاهنشاهی به مجموعه‌ای از فعل و انفعالات سیاسی و نظامی در حوزه خلیج فارس و ماورای آن مبادرت نمود.

• واژگان کلیدی:

پهلوی دوم، امنیت، خلیج فارس، دریای عمان

مقدمه

سلطنت محمدرضا شاه پهلوی نقطه‌عطفی در توجه سیاستمداران ایران معاصر به منطقه خلیج فارس و دریای عمان بود. با تحکیم حاکمیت دولت پهلوی پس از مرداد ۱۳۳۲ و خروج عناصر نظامی خارجی از ایران و ضعف تدریجی دولت انگلیس، زمینه برای افزایش نقش‌آفرینی ایران در منطقه خلیج فارس مهیا گشت. این حرکت در دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی بسیار آرام، اما خزانده و پیوسته بود. توسعه نقش‌آفرینی ایران در خلیج فارس طی دهه ۵۰ شمسی روند شتابانی به خود گرفت. این فرایند دستاورد عوامل درهم تنیده داخلی و خارجی بود. روش پژوهش در این نوشتار، تاریخی - تحلیلی است. به منظور دوری نمودن از منابع گمراه‌کننده با واسطه و دست دوم، شماره‌های گوناگون روزنامه‌های اطلاعات، کیهان، آیندگان و رستاخیز و پاره‌ای از مجلات نظامی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۰ ش. به صورت تطبیقی مورد بازبینی و بررسی قرار گرفت. استفاده از اسناد و مدارک منتشر نشده در آرشیوهای گوناگون و سپس انطباق آن با کتاب‌های فارسی و لاتین، بخشی دیگر از روش‌شناسی تحقیق در نگارش این نوشتار بوده است. مقاله حاضر در نظر دارد تا زمینه‌های تأثیرگذار بر فرایند نقش‌آفرینی امنیتی و شکل‌گیری وظیفه ژاندارمی حاکمیت پهلوی دوم را بررسی نموده و به سؤال زیر پاسخ دهد:

چگونه دولت پهلوی دوم در یک فرایند زمانی کوتاه‌مدت به ژاندارم حوزه خلیج فارس و دریای عمان تبدیل گردید؟ پاسخ به سؤال فوق از این جهت دارای اهمیت است که بخش عمده‌ای از تحرکات سیاست خارجی، توسعه نظامی و گسترش پیوندهای دولت پهلوی دوم با جهان غرب و کشورهای منطقه، تحت تأثیر مستقیم و یا غیرمستقیم این دگردیسی شکل گرفت و رشد و نمو یافت. سیاست‌های رژیم شاه در حوزه خلیج فارس و دریای عمان را باید در پرتو ویژگی‌های خود حکومت و نیز روابط بین‌المللی و نقش ایران در این روابط شرح داد.

۱- خروج نیروهای بریتانیا از خلیج فارس / استراتژی شرق کانال سوئز

در ژانویه ۱۹۶۸، هارولد ویلسون نخست‌وزیر انگلستان طی یک سخنرانی در مجلس عوام این کشور عنوان کرد: «ما درصدد فراخواندن هر چه سریع‌تر نیروهایمان از شرق دور

هستیم و این کار در سال ۱۹۷۱ م. به پایان می‌رسد، ما همچنین سعی در ترک خلیج فارس در همان تاریخ داریم.» (Long, 1978: P 70) سخنان ویلسون، سیاست نوین بریتانیا در آسیا را تحت عنوان «استراتژی شرق سوئز» بنیان گذارد. اساس این نظریه فراخوان و عقب‌نشینی نیروهای نظامی بریتانیا از سرزمین‌های شرق آبراه سوئز بود که از دیدگاه سیاست خارجی انگلستان شامل خلیج فارس و دریای عمان نیز می‌شد. (جناب، ۱۳۴۹: ۴۳۸) عدم پذیرش عملیات جنگی از سوی بریتانیا، جز با شرکت فعال هم‌پیمانان از دیگر مفاد راهبردی این آموزه بود. (آیندگان، ۱۳۴۹/۱۲/۱۱: ۱ و ۱۳۴۹/۱۱/۱۳: ۴) پس از اعلام رسمی این موضوع جهان غرب به رهبری آمریکا با طرح مسئله خلاء قدرت، نگرانی خود را از پیامدهای ناگوار احتمالی آن ابراز نمودند. نگرانی عمده آمریکا در این مقطع در مسئله خروج ارتش انگلستان از شرق آبراه سوئز و به ویژه خلیج فارس آن بود که موجبات نفوذ کمونیسم و رشد و گسترش جنبش‌های انقلابی در این ناحیه فراهم گردد. (Long, 1978, P 139) اسناد محرمانه منتشره در کتابخانه ریچارد نیکسون رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده حاوی تلگرام و یادداشتی است که نشان می‌دهد مقامات آمریکایی نگرانی بسیار زیادی از تصمیم انگلیسی‌ها برای خروج از منطقه شرق کانال سوئز و خلیج فارس در تاریخ تعیین شده (۱۹۷۱ م.) داشتند و در عین حال دلیل اصلی اصرار بریتانیا برای این اقدام را قدرت طلبی شاه ایران می‌دانستند. این موضوع در یادداشت شخصی هلموت سانن فلت، عضو ارشد شورای امنیت ملی آمریکا در ۱۵ جولای ۱۹۷۰ به هنری کیسینجر که در آن زمان سمت مشاور امنیت ملی ایالات متحده را بر عهده داشت به وضوح قابل درک است. (آرشو کتابخانه ریچارد نیکسون، ۲۰۱۲. نامه هلموت سانن فلت به هنری کیسینجر، ۱۵ جولای ۱۹۷۰) بر این اساس، بر همکاری‌های منطقه‌ای تأکید گردید تا با پر نمودن این خلاء به وسیله هم‌پیمانان آمریکایی، از پیامدهای منفی آن بر منافع جهان غرب جلوگیری گردد.

۲- نظریه مشارکت جمعی آمریکا و تأثیرات آن بر حوزه خلیج فارس و دریای

عمان / سیاست دو ستون

ریچارد نیکسون - نماینده حزب جمهوری خواه - در انتخابات سال ۱۹۶۸ م. بر مسند ریاست جمهوری آمریکا دست یافت، هنری کیسینجر پس از انتخابات ۱۹۶۸ م. ابتدا به سمت

مشاور امنیت ملی نیکسون و سپس به مقام وزارت امور خارجه آمریکا منصوب شد. او به همراه نیکسون، بخشی از مسئولیت بازاندیشی و جهت دهی نوین به سیاست خارجی آمریکا را با توجه به ژئوپولیتیک جهانی بر عهده گرفت. (امیری، ۱۳۵۵: ۲۰) نیکسون به هنگام مسافرت خود به کشورهای آسیایی، طی سخنرانی در ۲۵ ژوئیه ۱۹۶۹ در پایگاه نظامی آمریکا در جزیره گوام از اقیانوس آرام، راهبرد نوین سیاست خارجی خود را مطرح کرد. این راهبرد اصطلاحاً با عناوین دکترین نیکسون، نظریه مشارکت ملی و یا نظریه جایگزینی مورد بررسی قرار گرفته است. (لنچافسکی، ۱۳۷۳: ۱۷۳ / کلیر، ۱۳۵۸: ۳۳۸) مهم‌ترین بخش دکترین نیکسون، اصل سوم آن بود: کمک نظامی بر پایه تعهدات قبلی برای رویارویی با هر گونه تجاوز به شرط آنکه کشورهای مورد تجاوز، مسئولیت اصلی دفاع را بپذیرند. (آرشیو اسناد بنیاد تاریخ معاصر ایران: ۸۲۳، ۱۳۴۹/۱۰/۳ / اطلاعات، ۱۳۵۱/۲/۹: ۵ و ۱۳۴۸/۵/۵: ۵ و ۱۳۵۱/۱۱/۱: ۴ / نیکسون، ۱۳۷۱: ۱۸۸) دکترین نیکسون به صراحت اعلام داشت به دولت‌هایی که با خطر روبرو هستند، کمک خواهد کرد و ابزارهای نظامی را در اختیار آنان خواهند گذاشت. البته اگر ملل یاد شده، خواهان پذیرش مسئولیت تدارک اولیه نیروی انسانی لازم برای دفاع خودشان باشند. (نیکسون، ۱۳۷۱: ۲۴-۳۲۳ / فونتن، ۱۳۶۶: ۱۹۷ / نجاتی، ۱۳۵۵: ۱۶۵-۱۶۴ / اطلاعات، ۱۳۴۷/۱۱/۲: ۴ و ۱۳۴۸/۵/۵: ۵) پیرو همین سیاست، آمریکا به تحکیم پایه‌های قدرت برخی از کشورها در مناطق مختلف جهان، با هدف پاسداری از منافع غرب بدون درگیری مستقیم همت گماشت. بر اساس این رهیافت نوین، آمریکا به ایجاد پلیس‌ها و ژاندارم‌های منطقه‌ای اقدام کرد که از برجسته‌ترین آنان کشورهای ژاپن، برزیل، یونان و ایران بودند. (گازیوروسکی، ۱۳۷۶: ۱۹۶ / نیکسون، ۱۳۷۱: ۲۱۲ / کلیر، ۱۳۵۸: ۲۳۶) خلاء قدرت در خلیج فارس، نخستین میدان آزمایش جدی را برای نظریه نیکسون پدید آورد. بنابراین، سیاستمداران آمریکا با شروع زمزمه‌های خروج انگلستان از خلیج فارس بر همکاری‌های منطقه‌ای تأکید ورزیدند. (الهی، ۱۳۷۰: ۹۶ / آیندگان، ۱۳۵۱/۵/۱۸: ۱) با این مقدمات، دکترین نیکسون بازتاب خود را بر منطقه خلیج فارس با سیاست دو ستون (سیاست دو قلو)^۱ نشان داد. بر اساس این سیاست،

^۱ Two Pillar Policy

دولت‌های ایران و عربستان به عنوان دو ستون مرکزی در راهبرد نوین آمریکا، وظیفه رفع خلاء قدرت را در منطقه خلیج فارس و دریای عمان عهده‌دار شدند. (نیکسون، ۱۳۷۱: ۲۶۴ / طباطبایی، ۱۳۵۶: ۴۶) همکاری نزدیک با ایران و عربستان به عنوان ستون‌های ثبات در منطقه و تشویق کشورهای دوست برای پذیرش وظیفه امنیتی خود از مهم‌ترین اصول این سیاست نوین بود. (حافظ نیا، ۱۳۷۱: ۱۱۷ / Long, 1978:139) از میان این دو ستون، انتخاب اول با ایران و توان نظامی آن بود و عربستان در درجه دوم و بیشتر از دیدگاه تأمین‌کننده مالی برنامه‌های امنیتی مورد توجه قرار داشت. (باومن، ۱۳۶۹: ۱۴۰ / دلاژ، ۱۳۶۶: ۲۰۰) با وجود این، حضور عربستان در سیاست نیکسون علاوه بر اینکه اعراب را نسبت به همکاری با این طرح راضی و خوش‌بین می‌ساخت، (روبین، ۱۳۶۳: ۱۰۳) متضمن این فرضیه نیز بود که منافع ایران و دولت‌های عرب کرانه جنوبی خلیج فارس با یکدیگر مطابقت و سازگاری دارد. (کمبل، ۱۳۵۴: ۸۸) بدین ترتیب، رژیم پهلوی به عنوان ستون اصلی دکتترین نیکسون، جایگاه ژاندارمی منطقه خلیج فارس و دریای عمان را به خود اختصاص داد. هدف عمده شاه تثبیت پایه‌های حکومت، گسترش توانایی‌های خود به خارج مرزها و داشتن یک نقش بین‌المللی بود. (امیر علایی، ۱۳۶۱: ۳۶۶) شاه در مصاحبه با آرنو دو برچگیو^۱ - سر دبیر مجله نیوزویک^۲ - در سال ۱۹۷۳م. و دیگر سخنان خود بر این امر تأکید ورزید. (واسیلیف، ۱۳۵۸: ۱۴۴ / ارتش شاهنشاهی، ۱۳۵۴: ۵ / کدی، ۱۳۶۹: ۲۰۶ / غنی، ۱۳۶۷: ۹۱ / کرباسچی، ۱۳۷۱: ۳۵۲) سپس ایران به یکسری رایزنی‌های دیپلماتیک در جهت گسترش روابط و رفع اختلافات با دول عرب اقدام کرد. (صدقیانی، ۱۳۵۴: ۳-۱۰۲ / کیهان، ۱۳۴۷/۱۰/۱۴: ۲ / Davidian, 1971: 129 / ارتش شاهنشاهی، ۱۳۴۹: ۸) در ۹ آذرماه ۱۳۵۰ پس از مذاکرات طولانی پشت پرده میان آمریکا، انگلستان و ایران، جزایر سه گانه ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ که از لحاظ تاریخی و قانونی جزئی از خاک ایران محسوب می‌شد، مجدداً تحت حاکمیت ایران درآمد. (آیندگان، ۱۳۴۹/۱۲/۱: ۱ / مجتهد زاده، ۱۳۷۳: ۴۳ / 19 / Mojtahedzadeh, 1990) ایران همچنین با درک ارتباط امنیت خلیج فارس با دریای عمان و اقیانوس هند در دراز مدت، از

^۱. Arno de Berchigview

^۲. Newsweek

اینکه اقیانوس هند به عنوان یک منطقه صلح و عاری از حضور ابرقدرت‌ها باشد، حمایت کرد. (طارم سری، ۱۳۶۴: ۱۸۲)

۳- موقعیت طبیعی استراتژیک ایران

یکی از مهم‌ترین شرایط انتخاب برای اجرای نقش‌آفرینی امنیتی از دیدگاه سیاستمداران ایالات متحده، برخورداری هم‌پیمان منطقه‌ای از موقعیت راهبردی در حوزه مورد نظر بود. (الحسنی، ۱۳۷۴: ۸۱) تلفیقی از خلیج فارس و نفت در جنوب و کمونیست شوروی در شمال، مفاهیم آشکار و بنیادی در اهمیت راهبردی ایران محسوب می‌شد. ایران نسبت به دیگر کشورهای منطقه، تنها کشوری بود که بر خلیج فارس اشراف کامل داشت. در حالی که در ساحل جنوبی آن، کشورهای متعدد کوچک و ناتوان عرب قرار داشتند. این وضعیت بدان مفهوم بود که ایران بیش از سایر دولت‌های منطقه می‌توانست در کنترل خلیج فارس مؤثر باشد. بنابراین، هرگونه تصمیم سیاسی یا موضع‌گیری نظامی در ارتباط با وضعیت منطقه، می‌بایست به طور انحصاری از سوی رژیم شاه اتخاذ شود. اما با واگذاری این وظیفه به شیوخ خلیج فارس، آمریکا باید برای پیشبرد راهبرد خود با ۶ کشور عرب هماهنگی برقرار می‌کرد. ضمن آنکه ایران از لحاظ جغرافیایی در مرز جنوبی اتحاد شوروی واقع شده بود که بر ارزش راهبردی و سوق‌الجیشی آن می‌افزود. (روبین، ۱۳۶۳: ۴۴ / گازیوروسکی، ۱۳۷۱: ۱۶۵) بر اساس نظرات جاشوا اپستین^۱ پژوهشگر در امور نظامی با استناد به مدارک متعدد منتشره از سوی ناتو، پنتاگون و دستگاه نظامی شوروی در ۵۰ سال گذشته، ایران به شکل حیرت‌آوری در سیاست‌های نظامی آمریکا نقش محوری داشت. (اپستین، ۱۳۷۰: ۱۱-۸) هارولد براون^۲ وزیر دفاع پیشین آمریکا در مقایسه‌ای میان تصرف ایران و اروپا از سوی شوروی عنوان کرد که امتیاز به دست آمده از ایران، به همان اندازه اروپا بزرگ خواهد بود. (سهرابی، ۱۳۶۸: ۳۳۷) نیکسون ضمن اشاره به اهمیت راهبردی ایران گفت: «اگر خطی ژئوپولیتیک میان خاورمیانه رسم شود، آن خط مستقیماً از عربستان، ایران، امارات و تنگه هرمز عبور خواهد کرد.»

^۱. Jashoo Epstein

^۲. Harold Brown

(نیکسون، ۱۳۶۴: ۱۴۶) برژینسکی، طراح برجسته سیاست خارجی آمریکا نیز تضعیف ایران و خلیج فارس را سبب تسلط شوروی حتی بر اروپا و شرق آسیا می‌دانست. (برژینسکی، ۱۳۶۹: ۵۴) در نهایت، شاه با درک موقعیت راهبردی ایران و اهمیت آن برای جهان غرب، به منظور پیشبرد اهداف درون و برون‌مرزی خود بر آن تأکید کرد. (چمنکار، ۱۳۸۳: ۶۹)

۴- توانمندی مالی حاصل از اقتصاد تک محصولی نفت

دولت شاهنشاهی پس از ۴ برابر شدن قیمت نفت در ابتدای دهه ۵۰ ش. ۷۰٪ م. اقدام به طراحی برنامه‌های حجیم اقتصادی و به ویژه نظامی برای توسعه ایران نمود. برنامه توسعه پنجم که در سال ۱۹۷۳ م. به تصویب رسید، با تخصیص ۲۴۶۰ بلیون ریال به سرمایه‌گذاری، برنامه‌ای بلند پروازانه بود که جامعه را در چارچوب مناسبات اقتصادی و سیاسی موجود، تا سر حد ظرفیت جذب و توانائی‌اش به پیش رانده بود. در فاصله سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۷۸ م. واردات کشور متجاوز از ۴/۱۲٪ افزایش یافت که معادل نرخ رشدی برابر با ۴۶٪ در سال بود. در پی تحولات جنگ اعراب و اسرائیل و سیر صعودی قیمت نفت، درآمد ایران از فروش نفت از رقم ۲/۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰ م. به ۲۰/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۴ م. رسید. ایران با اتکاء به افزایش درآمدهای نفتی نقش نظامی خود را در منطقه خلیج فارس ایفاء نمود. پس از خروج ارتش انگلستان از خلیج فارس و تأکید صریح لندن بر نپذیرفتن هزینه سنگین نگهداری و حفظ امنیت در این حوزه استراتژیک و درخواست آشکار از دولت شاهنشاهی برای پذیرفتن این مخارج (فکور، ۱۳۵۵: ۳۹) نفت و افزایش قیمت آن نمود بیشتری در توسعه ساختار نظامی ایران یافت. طی سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۷۸ م. بودجه نظامی از ۱۳٪ تولید ناخالص ملی به ۲۰٪ افزایش یافت و سهم کالاهای نظامی در کل واردات کشور از مرز ۳۰٪ گذشت. (چمنکار، ۱۳۸۳: ۶۹-۷۰)

۵- مبارزه با توسعه نفوذ اتحاد شوروی در منطقه خلیج فارس و دریای عمان

خروج نیروهای انگلستان از خلیج فارس که مهم‌ترین مانع در گسترش فعالیت‌های شوروی در این منطقه بود، آمریکا را سخت دچار مشکل ساخت. هنوز بیش از دو ماه از خروج انگلیس سپری نشده بود که عناصری از نیروی دریایی شوروی در مارس ۱۹۶۸ م. تردد خود را

در اقیانوس هند شروع کردند. (فرید، ۱۳۵۴: ۱۰ / مجتهد زاده، ۱۳۵۵: ۳۰ / دانشجویان پیرو خط امام، ۱۳۵۸: ۱۱۳) احتمال توسعه قدرت شوروی در منطقه خلیج فارس و دریای عمان که به لحاظ نظری، شعبه‌ای از اقیانوس هند است، (مجتهد زاده، ۱۳۵۵: ۲۸) لزوم توجه به یک نیروی سوم بومی را که بتواند خارج از رقابت‌های تسلیحاتی ابرقدرت‌ها، مانع از نفوذ بیشتر شوروی شود، شدت بخشید. در نتیجه، ایران نیز فعالیت‌های شوروی را در منطقه به دقت زیر نظر گرفت. یکی از سران بلند پایه نظامی رژیم شاه، نتایج و پیامدهای حضور شوروی در منطقه را این‌گونه تحلیل کرد: ۱- احتمال جایگزینی پس از انگلستان و تبدیل به عامل بالقوه‌ای برای اعمال نفوذ در شبه جزیره عربستان و خلیج فارس نفت‌خیز ۲- امکان و قابلیت بیشتر کمونیسم برای صدور سلاح و وسایل به حکومت‌های محلی هم‌پیمان و یا عوامل و عناصر شورشی به منظور تأمین مقاصد براندازی و یا تضعیف قدرت‌های منطقه‌ای. (فرید، ۱۳۵۴: ۱۱)

۶- تحولات سیاسی و نظامی خاورمیانه

گسترش جنبش‌های ملی‌گرا، ناصریسم و ظهور دولت‌های عرب رادیکال در دهه ۶۰- ۱۹۵۰ میلادی پایه‌های تسلط آمریکا را در خاورمیانه لرزان کرد و صحنه را به نفع شوروی، رقیب سنتی دگرگون ساخت. حضور اسرائیل که وظیفه مبارزه با دولت‌های عرب تندرو را بر عهده داشت، نه تنها استقرار حاکمیت و آرامش به نفع آمریکا را در منطقه ایجاد نکرد، بلکه ناآرامی و تشنج را افزایش داد، جنبش‌های آزادی‌بخش را ریشه‌دارتر کرد و از همه مهم‌تر به احساسات خصمانه علیه غرب در میان توده‌های عرب دامن زد. (طباطبایی، ۱۳۰۶: ۳ / بورل، ۱۳۰۴: ۳۸) ایران با بررسی تحولات خاورمیانه تلاش کرد که از این تغییرات در سیاست منطقه‌ای خود استفاده کند. خشم و نفرت ملت عرب نسبت به آمریکا و اسرائیل، ایران را در حقیقت به بهترین و مهم‌ترین هم‌پیمان برای آنان تبدیل کرد. نقش ایران از دو دیدگاه برای آمریکا اهمیت داشت. ایران در دوران جنگ اعراب و اسرائیل به فروش نفت و رابطه با اسرائیل ادامه داد و پس از جنگ ۱۹۶۷ م. و بروز مخاطره جانی برای اتباع غربی، تهران به عنوان امن‌ترین پایتخت خاورمیانه - به اقرار کارشناسان اروپایی - از آنان پذیرایی کرد. در واقع، ایران

به نسخه بدل اسرائیل در منطقه تبدیل شد و بدون آنکه خشم و نفرت اعراب را شعله‌ور سازد، به تثبیت منافع آمریکا پرداخت.

۷- تمرکز و ثبات سیاسی ایران

دولت آمریکا در پی‌ریزی راهبرد منطقه‌ای خود، همواره در جستجوی متحدانی بود که برای تداوم قدرت از ثبات و امنیت لازم برخوردار باشند. ایران از دیدگاه استراتژیست‌های آمریکا، در اوایل دهه ۱۳۵۰ ش. / ۱۹۷۰ م. دارای این ویژگی‌های برجسته بود و در صورت بروز خطرات داخلی، شاه می‌توانست بر اوضاع کشور مسلط شود، در حالی که شیوخ عرب از ثبات و امنیت لازم برای عهده گرفتن این مأموریت در منطقه برخوردار نبودند. (الحسنی، ۱۳۷۴: ۸-۳) مجموعه رویدادهایی همچون خاموشی تبعات جنبش ملی‌گرایانه صنعت نفت و مرگ آخرین رهبر بازمانده آن - دکتر مصدق - تا سال ۱۳۴۵ ش. سقوط کابینه دکتر امینی که مهره تحت حمایت آمریکا و تا اندازه‌ای نیروی مقاوم در برابر شاه بود، سرکوب جنبش اسلامی مردم ایران در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، اجرای انقلاب سفید، کاهش تدریجی فشارهای آمریکا بر ایران در باره «اجرای برنامه برای پیشرفت» کندی در دوران ریاست جمهوری جانسون، افزایش کمک‌های اقتصادی و نظامی به ایران و کابینه‌های امیراسدالله علم و امیرعباس هویدا ثبات و آرامشی نسبی را برای رژیم شاه به ارمغان آورد، به طوری که رژیم پهلوی در اوایل دهه ۵۰ ش. در خشن‌ترین و در عین حال، قوی‌ترین موقعیت به سر می‌برد و آن را مجموعه‌ای از سازمان‌های امنیتی و ابزارهای نظامی تشدید می‌کرد. (Martin.1977:242) شاه در راستای نمایش آرامش داخلی و تثبیت پایه‌های حکومت، سفرهای گوناگونی به اقصی‌نقاط جهان انجام داد تا حکومت خود را شایسته لقب جزیره ثبات نشان دهد. (بهنود، ۱۳۶۹: ۵۲۵)

۸- انگیزه توسعه‌طلبی در سیاست خارجی پهلوی دوم

محمدرضا شاه، اشتیاق فراوانی به اجرای نقش سرپرستی و حاکمیت سیاسی و نظامی بر پیرامون خود داشت. وی نقش خود را در ابعاد گسترده جهانی می‌دید که به حوزه ملی و منطقه‌ای محدود نمی‌شد. هدف عمده شاه تثبیت پایه‌های حکومت، گسترش توانایی‌های خود به خارج مرزها

و داشتن یک نقشی بین‌المللی بود. (امیر علایی، ۱۳۶۱: ۳۶۶ / ارتش شاهنشاهی، ۱۳۵۴: ۵) توانمندی اقتصادی ایران در پی فروش نفت که حتی عنوان رهبر جهان چهارم یا کشورهای ثروتمند صادرکننده نفت را برای او به ارمغان آورد، (مسائل جهان، ۱۳۵۳: ۲۹) موجب شد که هزینه‌های نظامی بیش از ۶۰۰ برابر افزایش یابد و واردات از آمریکا نیز ۱۰ برابر شود. (گازپوروسکی، ۱۳۷۶: ۹۷) بر اساس گزارش محرمانه وزارت دفاع آمریکا، مابین سال‌های ۱۹۷۷ - ۱۹۷۳ م. ایران از ایالات متحده ۱۵/۶ میلیارد دلار سفارش اسلحه داده بود. پس از ایران، عربستان با ۹/۲ و اسرائیل با ۵/۷ میلیارد دلار قرار داشتند. (آرشیو اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سند ۲۴-۳) اقدامات شاه در کمک به رژیم‌های مختلف خلیج فارس، خاورمیانه و حتی آفریقا و اروپا نشانگر حس عظمت‌طلبی و اشتیاق سیری‌ناپذیر در قدرت و سلطه بود. بالغ بر ۳ هزار نفر از نیروهای مسلح ایران که به تدریج تا ۱۰ هزار نفر افزایش یافت، از سال ۱۳۵۱ ش. ۱۹۷۲ م. با هدف سرکوب جبهه آزادی‌بخش ظفار در عمان که از سوی کشورهای بلوک شرق به ویژه شوروی پشتیبانی می‌شد، سلسله نبردهای خونینی را آغاز کردند که تا سال ۱۳۵۷ ش. کمابیش ادامه داشت. (خبرگزاری پارس، ۱۳۵۲/۱۰/۸ و ۱۳۵۵/۸/۱۰: میکروفیلم محرمانه) ارتش ایران در سال ۱۳۵۳ ش. / ۱۹۷۴ م. به منظور پاک‌سازی و انهدام چریک‌های جدایی‌طلب بلوچ به ایالت بلوچستان اعزام شد. (اطلاعات، ۱۳۵۵/۱۲/۱: ۴) سیاست رژیم شاه در بلوچستان منعکس‌کننده سیاست‌های کلی آن حکومت در منطقه و بیانگر حساسیت ویژه‌اش نسبت به تحولات داخلی کشورهای همسایه بود. تجزیه احتمالی دیگری در پاکستان می‌توانست برای ایران نتایج ناگواری به دنبال داشته باشد. از یک سو، می‌توانست پیمان سنتو را بی‌اعتبار و حتی نابود سازد و از سوی دیگر می‌توانست شوروی و متحدانش را در نقطه حساسی به دریای عمان و اقیانوس هند متصل کند و حلقه محاصره را پیرامون ایران تنگ‌تر نماید و مستقیماً بر دهانه خلیج فارس مسلط سازد. (Harrison.1987:79)

ایران همگام با نزدیکی به دولت پاکستان، سیاست توسعه نفوذ و قدرت در اقیانوس هند را با جدیت دنبال نمود. (اطلاعات، ۱۳۵۳/۲/۲: ۲) بر این اساس، دولت پهلوی سعی کرد که شعاع عملیاتی خود را در اقیانوس هند و دریای عمان گسترش دهد. (فرید، ۱۳۵۴: ۱۰) شاه نیز با دفاع از گسترش حضور خود در این منطقه اعلام کرد که: «چرا از حضور خود در اقیانوس هند شرم داشته باشیم، ما به اندازه کافی حق داریم در این جا باشیم و مسلماً بیش از همه کشورهای بیگانه.» (اطلاعات،

۱۳۵۳/۲/۴: ۵ و ۱) ایران در طول جنگ‌های داخلی یمن میان سلطنت‌طلبان و جمهوری‌خواهان در طول سال‌های ۷۰-۱۹۶۲م، از جناح سلطنت‌طلب متمایل به غرب حمایت کرد. (کریملو، ۱۳۷۴: ۳۰۵ / اطلاعات، ۳/۱۰/۱۳۵۴: ۲۸) پیوندهای نزدیک میان ایران و اردن هاشمی نیز مظاهری از تأثیرات امور نظامی در سیاست خارجی تهران را نشان می‌داد. اردن تنها کشور عرب بود که به صورت واقعی با اعزام واحدهایی به یاری ایران در نبرد عمان اقدام کرد. (کریملو، ۱۳۷۴: ۶۵) ایران در اشکال غیرمستقیم با اعزام هواپیماهای فان‌توم و چند نفر از افسران خود به حمایت از وان‌تیو ریاست جمهوری ویتنام جنوبی پرداخت (Ramazani, 1975:341) و از ملامصطفی بارزانی رهبر حزب دموکرات کردستان در نبرد با رژیم عراق حمایت فراوان نمود. (هالیدی، ۱۳۵۸: ۲۵۹)

آرشیو اسناد کتابخانه ریچارد نیکسون، نامه مشاور امنیت ملی آمریکا خطاب به سفیر ایالات متحده در تهران را منتشر کرده است که طی آن از همکاری نزدیک کاخ سفید با محمدرضا شاه پهلوی برای تقویت توان مالی و نظامی کردها جهت تضعیف دولت عراق در دهه ۱۹۷۰م. پرده برداشته است. (آرشیو کتابخانه ریچارد نیکسون، ۲۰۱۲: نامه کیسینجر به ریچارد هلمز) در سال ۱۳۵۴ ش. دو گردان از نیروهای زمینی ارتش ایران به منظور استقرار در بلندی‌های جولان در حد فاصل نیروهای سوریه و اسرائیل به آن منطقه اعزام شدند. (نیروی زمینی شاهنشاهی، ۱۳۵۴: ۲-۹۱) ایران، سوای از آسیا در قاره سیاه به ویژه شاخ آفریقا نیز تحرکات نظامی برون‌مرزی متعددی داشت. دولت شاهنشاهی در نبرد میان سومالی و اتیوپی بر سر منطقه اوگادن که نهایتاً با پیروزی اتیوپی به پایان رسید؛ از محمد زیاد باره رئیس‌جمهور سومالی که از سوی کشورهای غربی و آمریکا پشتیبانی می‌شد، حمایت کرد. (Yodfat, 1984:38) دولت زئیر نیز در مبارزه با شورشیان چپ‌گرای ایالت شابا از حمایت‌های اقتصادی و نظامی ایران بهره‌مند گردید. (Avery, 1991:425) همچنین ایران از ملک حسن دوم پادشاه مراکش در نبرد با چریک‌های پولیساریو که برای آزادی صحرای غربی مبارزه می‌کردند، پشتیبانی و حمایت نمود. (فشتلیوس، ۱۳۵۹: ۹۱) پرویز راجی آخرین سفیر دولت پهلوی در لندن با اشاره به کمک‌های نظامی ایران می‌نویسد: «آمریکا دست ایران را در شاخ آفریقا عملاً باز گذاشته است. معلوم می‌شود ما داریم به اطراف و اکناف بال و پر می‌گشاییم.» (راجی، ۱۳۸۱: ۱۷۱) به نوشته جرج بال معاون امور خارجه آمریکا در واشنگتن‌پست مورخه

اسفند ۱۳۵۷ سقوط رژیم پهلوی در ارتباط تنگاتنگ با سیاست‌های دولت واشنگتن به ویژه از دوران حکومت نیکسون به بعد بود، زیرا آمریکا توسعه‌طلبی شاه را دامن می‌زد. (کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۲۴: ۸) بر این اساس، برای شاه جلوگیری از وقوع هر نوع جنبش و یا وضعیتی که موضع استراتژیک ایران را تضعیف می‌کرد، جنبه حیاتی داشت.

۹- پیوندهای تنگاتنگ و توسعه عمیق روابط ایران و آمریکا

شرکت‌های آمریکایی در فاصله سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۵۱ ش. قراردادهای و معاملات مشترکی با ایران امضاء نمودند که ارزش آنها به ۱۹ میلیارد دلار می‌رسید. علایق اقتصادی ایالات متحده در ایران تا آنجا بود که در پیمان اقتصادی سال ۱۳۵۳ ش. این کشور به مصرف ۱۵ میلیارد دلار جهت خدمات و کالاهای آمریکایی ملزم و متعهد گردید و چنین پیش‌بینی می‌شد که در فاصله سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۵۵ ش. حجم صادرات ایالات متحده به ایران از رقم ۲۴ میلیارد دلار نیز فراتر رود. این حجم وسیع از مبادلات دو کشور جدای از قراردادهای سنگین و طولانی مدت نظامی طرفین بود. ایران و آمریکا در ماه مارس ۱۹۷۵ یک قرارداد بازرگانی ۱۵ میلیارد دلاری امضاء کردند و آمریکا با احداث ۸ رآکتور اتمی در ایران موافقت کرد. در سال ۱۹۷۶ م. موافقتنامه بازرگانی دیگری بین دو کشور به امضاء رسید که به موجب آن، حجم مبادلات بازرگانی دو کشور در ۵ سال بعدی بالغ بر ۵۲ میلیارد دلار پیش‌بینی شده بود.

مناسبات شاه با رؤسای جمهور و سایر مقامات آمریکا در دهه ۵۰ ش. / ۷۰ م. به ویژه با ریچارد نیکسون بسیار نزدیک و بر اساس دوستی قدیمی شکل می‌گرفت. شاه و نیکسون، همدیگر را عمیقاً تحسین و پشتیبانی می‌کردند. نام شاه در فهرست نیکسون از رهبران بزرگ دنیا، همیشه در ردیف سوم و یا چهارم بود (نیکسون، ۱۳۶۴: ۴۵۷ / نیکسون، ۱۳۶۳ و ۴۱۱-۴۰۹ / کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۲۵۸) و طراحان سیاست خارجی آمریکا، منافع ایران و آمریکا را هم‌مرز و قرین یکدیگر می‌دیدند. به گفته کیسینجر، روند سیاست آمریکا و ایران در تمام مسائل مهم بین‌المللی به موازات همدیگر بود و بنا بر این، به طور متقابل به خط‌مشی‌های یکدیگر استمرار می‌بخشیدند. از دیدگاه کیسینجر، شاه از نادرترین رهبران دنیا و یک متحد واقعی و بی‌چون و چرا و کسی بود که درک او از دنیا، دیدگاه‌های آمریکا را تقویت می‌کرد. (بیل، ۱۳۷۱: ۲۷۹ / کدیور، ۱۳۷۴: ۹۳). بر

اساس نتایج این پیوندهای عمیق بود که ایران در خرید هر نوع سلاح نظامی غیر از تجهیزات هسته‌ای و کشتار جمعی که در زرادخانه آمریکا یافت می‌شد، توانمند گردید. (آیندگان، ۱۳۵۱/۳/۱۸ : ۱۱ و ۱ / بیل، ۱۳۷۱ : ۲۷۶) بدین ترتیب، با برطرف شدن عمده‌ترین موانع، جریان ارسال تجهیزات نظامی بسیار پیشرفته به ایران استمرار یافت و در مدت کوتاهی این کشور را به یکی از قوی‌ترین قدرت‌های نظامی جهان تبدیل کرد.

نتیجه‌گیری

ایران در واپسین دهه عمر حکومت پهلوی دوم به قدرت بی‌مانندی در خلیج فارس و دریای عمان دست یافت که در تاریخ معاصر ایران نظیر نداشت؛ فرایندی که شدیداً تحت تأثیر تبعات مستقیم و غیرمستقیم مجموعه عوامل داخلی و فرامرزی چون خروج عناصر انگلیسی از خلیج فارس، دکترین مشارکت جمعی ایالات متحده آمریکا، افزایش قیمت نفت حاصل از جنگ اعراب و اسرائیل، توسعه نظامی دولت پهلوی به ویژه در بخش نیروی دریایی، روابط تنگاتنگ با جهان غرب، تحولات منطقه خاورمیانه، موقعیت سوق‌الجیشی طبیعی و تمرکز و آرامش سیاسی مقطعی حکومت پهلوی دوم بود. گواه این استدلال، سند تحقیقاتی مؤسسه مطالعات استراتژیک ایالات متحده در سال ۱۹۷۸م. است. در این سند محرمانه از ۶ عامل داخلی و خارجی یاد می‌شود که موجب شده بود ایران در این دوره، موقعیت ویژه‌ای در سیاست خارجی آمریکا پیدا کند. این عوامل عبارت بودند از:

- ۱- خروج انگلیس از اقیانوس هند و خلیج فارس ۲- عقب نشینی آمریکا از ویتنام ۳- فروش اسلحه به ایران ۴- طرح صلح اعراب و اسرائیل [طرح راجرز] ۵- ایران به مثابه یک قدرت بزرگ تولید نفت ۶- منافع ایالات متحده در اقیانوس هند و خلیج فارس. پیرو این فرایند از اواخر دهه ۱۳۴۰ش. و در چارچوب سیاست خارجی ایران و متناسب با اهداف و جهت‌گیری آن، ارتش وظایف جدیدی عهده‌دار شد. تحکیم موقعیت داخلی دولت مطلقه و ایجاد ثبات در سیاست‌های داخلی در کنار تقویت منابع مالی و مساعدت شرایط بین‌المللی، افق‌های جدیدی در توسعه قدرت و منافع ملی ایران به وجود آورد. تقویت روزافزون نیروی هوایی و نیروی دریایی، گسترش نیروی زمینی، تجهیز آنها به تسلیحات سنگین، پیچیده و

مدرن و انجام مأموریت‌های نظامی در منطقه خلیج فارس و خارج از آن، همگی در ارتباط با تحول سیاست خارجی ایران و ایفای نقش‌های جدید قابل توضیح هستند. این تحولات با ساخت دولت مطلقه و تمرکز قدرت، تعیین اهداف و سیاست‌های خارجی ایران توسط شاه و فقدان نظارت و مشارکت نهادهای مستقل در فرآیند تصمیم‌گیری ارتباط داشت. ارتش ایران با حمایت بی‌دریغ آمریکا و در راستای سیاست‌های نوین خارجی و نظامی آن به تجهیزات بسیار پیشرفته‌ای مجهز گردید که دست یافتن به آنها برای بسیاری از دولت‌های هم‌پیمان واشنگتن دشوار و حتی غیرممکن می‌نمود. در حقیقت، تسلیحات دریافتی ایران به لحاظ حجم و فناوری در میان کل کشورهای توسعه‌نیافته بی‌نظیر بود. رابطه و دوستی با آمریکا به هیچ یک از کشورهای خارج از ناتو این امکان را نداده بود که مانند ایران در مدت زمانی کوتاه به یک قدرت عمده نظامی منطقه‌ای تبدیل شود.

منابع و مأخذ

- آمبروز. استیفن (۱۳۶۸)، *روند سلطه‌گری، تاریخ سیاست خارجی آمریکا، ۸۳-۱۹۳۸*، چ. اول، ترجمه: احمد تابنده، تهران: چاپخش.
- الهی، همایون (۱۳۷۰)، *خلیج فارس و مسائل آن*، چ. دوم، تهران: قومس.
- امیر علایی، شمس‌الدین (۱۳۶۱)، *صعود محمدرضا شاه به قدرت یا شکوفایی دیکتاتوری*، چ. اول، تهران: [بی جا]
- امیری، عباس (۱۳۵۵)، *تقویت نیروی دفاعی ایران ضامن ثبات سیاست منطقه است*، خلیج فارس و اقیانوس هند در سیاست بین‌الملل. چ. اول، ویرایش عباس امیری، تهران: مؤسسه پژوهش‌های سیاسی و اقتصادی.
- باومن. لاری و یان کلارک (۱۳۶۹)، *اقیانوس هند در سیاست جهانی*، چ. اول، ترجمه: گروه مترجمان، زیر نظر: همایون الهی، تهران: قومس.
- امین، عبدالامیر (۱۳۷۰)، *منافع بریتانیا در خلیج فارس*، ترجمه: علی رجبی یزدی، تهران: امیرکبیر.
- برق لامع، مسعود (۱۳۵۸)، *استراتژی کیسینجر در سیاست سلطه‌جویی آمریکا*، چ. اول، تهران: انجمن تحقیق و بررسی‌های علمی و سیاسی و اقتصادی ایران.
- بیل، جیمز آ (۱۳۷۱)، *شیر و عقاب، روابط بد فرجام ایران و آمریکا*، ترجمه: فروزنده برلیان، تهران: فاخته.
- جناب، محمدعلی (۱۳۴۹)، *خلیج فارس و آشنایی با امارات آن*، تهران: پدیده.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۷۱)، *خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز*، چ. اول، تهران: سمت.
- چامسکی، نوام و دیگران (۱۳۶۴)، *دهه جنگ سرد، روند جنگ در دهه ۱۹۸۰*، چ. اول، ترجمه: شاهرخ وزیری، تهران: سلسله.
- چمنکار، محمدجعفر (۱۳۸۳)، *بحران ظفار و رژیم پهلوی*، چاپ اول، تهران: تاریخ معاصر ایران.
- دلاژ، الیویه و ژرار گریزبک (۱۳۶۶)، *توفان خلیج*، ترجمه: اسدالله مبشری و محسن مؤیدی، تهران: اطلاعات.
- دلدن، اسکندر (۱۳۶۳)، *سلطه جویان و استعمارگران در خلیج فارس*، چ اول، تهران: نوین.
- راجی، پرویز (۱۳۸۱)، *در خدمت تخت طاووس (یادداشت‌های روزانه آخرین سفیر شاه در لندن)*، ترجمه: حسن کامشاد، تهران: طرح نو.
- رواسانی. شاهپور [بی تا] *دولت و حکومت در ایران در دوره سلطه استعمار سرمایه‌داری*، چ. اول، تهران: شمع.

- روبین، باری (۱۳۶۳)، *جنگ قدرت‌ها در ایران*، ترجمه: محمود مشرقی، تهران: آشتیانی.
- صدقیانی، سیمین (۱۳۵۴)، *ملاحظات چند در باره مسائل سیاسی امارات و نظام حقوقی آب‌های خلیج فارس*، روابط بین‌الملل، شماره ۴، پاییز.
- طارم سری، مسعود و دیگران (۱۳۶۴)، *چین، سیاست خارجی و روابط با ایران*، چ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۶)، *روابط ایران و غرب*، [بی‌نا]، [بی‌جا].
- غنی، سیروس (۱۳۶۷)، *یادداشت‌های دکتر قاسم غنی*، چ اول، تهران: زوار.
- فونتن، آندره (۱۳۶۶)، *یک بستر و دو دریا، تاریخ تنش‌زدایی*، ۸۱-۱۹۶۲، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر نو.
- فشتلیوس، اریک (۱۳۵۹)، *جبهه پولیساریو*، چ اول، ترجمه: مجید نوحی، تهران: قلم.
- فرد، ناصر (۱۳۵۴)، *«قدرت‌های دریایی آمریکا و شوروی در اقیانوس هند»*، ارتش شاهنشاهی، ش ۴، تیر.
- کریاسچی، غلامرضا (۱۳۷۱) *هفت هزار روز، تاریخ ایران و انقلاب اسلامی*، ج اول، چ اول، تهران: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران.
- کریملو، داود (۱۳۷۴)، *یمن*، چ اول، تهران: وزارت امور خارجه.
- کمیل، جان سی (۱۳۵۴)، *ابر قدرت‌ها در خلیج فارس*، خلیج فارس و اقیانوس هند در سیاست بین‌الملل، ویرایش عباس امیری، تهران: مؤسسه پژوهش‌های سیاسی و اقتصادی.
- کلیر، میشل (۱۳۵۸)، *جنگ بی‌پایان، سیاست خارجی آمریکا در جهان سوم*، ترجمه: سعید رجایی خراسانی و محمدعلی مختاری اردکانی، تهران: حکمت.
- کدی، نیکی، آر (۱۳۶۹)، *ریشه‌های انقلاب*، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران: قلم.
- گازپوروسکی، مارک ج (۱۳۷۱)، *سیاست خارجی آمریکا و شاه، بنای دولت دست‌نشانده در ایران*، ترجمه: فریدون فاطمی، تهران: نشر مرکز.
- لافه بر، والتر (۱۳۷۶)، *پنجاه سال جنگ سرد، از غائله ایران تا سقوط گورباچف*، ترجمه: منوچهر شجاعی، چ اول، تهران: نشر مرکز.
- لنچافسکی، جورج (۱۳۷۳)، *رؤسای جمهور آمریکا و خاورمیانه از ترومن تا ریگان*، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز.
- مجته‌زاده، پیروز (۱۳۷۴)، *نگاهی به جغرافیای تاریخی خلیج فارس*، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال ۷ و ۸، فروردین و اردیبهشت.

- میرزا، ک. پ (۱۳۵۴)، سیاست‌های بین‌المللی در اقیانوس هند، چ اول، ترجمه: فاطمه قدیمی‌پور، تهران: مرکز مطالعات عالی بین‌المللی.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۵۵)، ویتنام از دین بین‌فو تا سایگون، چ اول، تهران: سپهر.
- نیکسون، ریچارد (۱۳۶۳)، رهبران، کسانی که دنیا را تغییر داده‌اند، ترجمه: کاظم عمادی، تهران: عطایی.
- _____ (۱۳۶۴)، جنگ واقعی، صلح واقعی، ترجمه: علیرضا طاهری، تهران: کتابسرا.
- _____ (۱۳۷۱)، فرصت را دریابیم، وظیفه آمریکا در جهانی با یک قدرت، ترجمه: حسین وصی نژاد، تهران: طرح نو.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۸)، تاریخ روابط خارجی ایران از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی، چ اول، تهران: ناشر مؤلف.
- واسیلیف، آلکسی (۱۳۵۸)، مشعل‌های خلیج فارس، ترجمه: سیروس ایزدی، تهران: کتاب‌های جیبی.

روزنامه‌ها:

- آیندگان (۱۳۴۹/۱۱/۱۳)، «انگلستان خلیج فارس را تخلیه می‌کند».
- _____ (۱۳۴۹/۱۲/۱)، «اگر لازم باشد، ایران جزایر ابوموسی و تنب را با زور می‌گیرد».
- _____ (۱۳۴۹/۱۲/۱۱)، «پایان دوره تحت‌الحمایگی در خلیج فارس».
- _____ (۱۳۵۰/۱۱/۱۴)، «روز سیاه از جنگ برگشتگان».
- _____ (۱۳۵۰/۱۱/۲۶)، «سیاست صلح ویلی برانت، صدراعظم آلمان فدرال».
- _____ (۱۳۵۱/۵/۱۸)، «آمریکا در دفاع خلیج فارس درگیر نمی‌شود».
- اطلاعات (۱۳۴۷/۱۱/۲)، «درس‌های جنگ ویتنام».
- _____ (۱۳۴۸/۵/۵)، «نیکسون در سفر دور دنیا».
- _____ (۱۳۵۱/۲/۹)، «نیکسون از استقرار در کاخ سفید تا ورود به تهران».
- _____ (۱۳۵۱/۱۱/۱)، «نیکسون: طولانی‌ترین و دشوارترین جنگ آمریکا رو به پایان است».
- رستاخیز (۱۳۵۴/۲/۹)، «سی سال جنگ ویتنام».
- _____ (۱۳۵۴/۲/۱۶)، «بحرانی خطرناک‌تر از ویتنام برای آمریکا».
- _____ (۱۳۵۴/۲/۲۰)، «شکاف در شبکه جهانی پایگاه‌های آمریکا».
- _____ (۱۳۵۴/۳/۲۱)، «دگرگونی در دریافت‌های دفاعی آمریکا».
- _____ (۱۳۵۴/۴/۹)، «تعادل اقتصاد آمریکا برهم خورده است».
- _____ (۱۳۵۴/۱۱/۱۱)، «آمریکا؛ جنگی به خاطر هیچ».
- کیهان (۱۳۴۷/۱۰/۱۴)، «سخنان مهم شاهنشاه در مورد بحرین».

مجلات:

- ارتش شاهنشاهی (۱۳۴۹)، ش ۲ «ایران و حل مسئله بحرین».
 _____ (تیرماه ۱۳۵۴) «هزینه جنگ ویتنام».
 _____ (۱۳۵۳)، ش ۳، «گزارش‌های تلویزیونی جنگ‌های نظامی».
 اطلاعات سیاسی و اقتصادی (مهرماه ۱۳۶۵)، سال ۱، ش ۱، «اوپک در افق و خیز یک ربع قرن تندباد حوادث».

اسناد:

- آرشیو اسناد بنیاد تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۷۲-۴-۲-۶۹۳-الف، ۱۳۴۷ ش
 _____ سند شماره ۸۲۳، ۱۳۴۹/۱۰/۳
 آرشیو اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سند شماره ۳-۲۴.
 آرشیو اسناد وزارت امور خارجه (تصویر سند)
 آرشیو کتابخانه ریچارد نیکسون، (۲۰۱۲)، نامه کیسینجر به ریچارد هلمز درباره همکاری شاه و آمریکا
 با کردها، ترجمه سند از نسرین رضایی، تاریخ ایرانی، محرمانه‌های نیکسون.
 _____ (۲۰۱۲). نامه هلموت سانن فلت به هنری کیسینجر، ۱۵ جولای
 ۱۹۷۰، ترجمه سند از نسرین رضایی، تاریخ ایرانی، محرمانه‌های نیکسون.
 خبرگزاری پارس، ۱۳۵۲/۱۰/۸: میکرو فیلم محرمانه.
 _____ ۱۳۵۵ / ۸ / ۱۰: میکرو فیلم محرمانه
 مؤسسه تحقیقات استراتژیک آمریکا (۱۹۷۸) سند طرح استراتژیک آمریکا در باره ایران و خاورمیانه،
 ترجمه: م.ع. نجفی، لندن: جبهه ملیون ایران.

لاتین:

- Alwels, Fran (1975) **New Dimensions of World History**, New York: American Book Company.
 Avery, Peter. (1991). **The Cambridge History of Iran, From Nadir shah to The Islamic Republic**, Vol 7 Cambridge: University Press of Cambridge.
 Croekat, Richard (1995) **The fifty Year War, the United States and the Soviet Union in the world politics, 1941-910**, London: L. Rouledy.
 Davidian, Zaven.n. (1971). **Iran in the service of world peace**. Isfahan: University of Isfahan.

-
- DE Gaulle, C. (1970). **Discours et Messages** (tomes 4 et 5), Paris: Plon
- DE Gaulle, C. (1971). **Mémoires d'Espoir, le Renouveau, l'effort 1962**. Paris : Plon
- Harrison, S.S. (1981). **In Afghanistan Shadow, Baluch Nationalism and Soviet Temptation**. Washington D.C:
- Long, David. (1978). **The Persian Gulf, A introduction to its people, politics and Economies**. Boulder, West View Press: Boulder, Colerado
- Martin L.W (1977). “**The Future Strategic Role of Iran**”, in H . Amirsadeghi *Twentieth-Century Iran*, London. Heinemann:
- Mojtahedzadeh, Pirouz (1990). **Political Geography of the strait of Hormuz**, London: University of London.
- Ramazani, Roahollah K. (1975). **Iran Foreign Policy, 1911- 1973**,(SOAS) Charlottesvile: University Press of Virginia.

جمهوری اسلامی ایران

وزارت امور خارجه

موضوع: **حتم سیاسی**

شماره: ۴ - ۲۴

تاریخ: ۱۳۹۲

جناب آقای امیرکبیر بهمنیار رئیس دپارتمان امور خارجه وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا

با توجه به اظهارات اخیر شما در خصوص تحولات منطقه خلیج فارس و منطقه خلیج فارس، خواهشمند است در خصوص موارد ذیل پاسخ دهید:

۱- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس اهدافی دارد؟

۲- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس اقداماتی انجام داده است؟

۳- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری دارد؟

۴- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران تنش دارد؟

۵- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران رقابت دارد؟

۶- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران خصومت دارد؟

۷- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران دشمنی دارد؟

۸- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری نظامی دارد؟

۹- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری اقتصادی دارد؟

۱۰- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری فرهنگی دارد؟

۱۱- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری علمی دارد؟

۱۲- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری ورزشی دارد؟

۱۳- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری اجتماعی دارد؟

۱۴- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری سیاسی دارد؟

۱۵- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری فرهنگی دارد؟

۱۶- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری اقتصادی دارد؟

۱۷- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری علمی دارد؟

۱۸- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری ورزشی دارد؟

۱۹- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری اجتماعی دارد؟

۲۰- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری سیاسی دارد؟

جمهوری اسلامی ایران

وزارت امور خارجه

موضوع: **حتم سیاسی**

شماره: ۴ - ۲۴

تاریخ: ۱۳۹۲

جناب آقای امیرکبیر بهمنیار رئیس دپارتمان امور خارجه وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا

با توجه به اظهارات اخیر شما در خصوص تحولات منطقه خلیج فارس و منطقه خلیج فارس، خواهشمند است در خصوص موارد ذیل پاسخ دهید:

۱- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس اهدافی دارد؟

۲- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس اقداماتی انجام داده است؟

۳- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری دارد؟

۴- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران تنش دارد؟

۵- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران رقابت دارد؟

۶- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران خصومت دارد؟

۷- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران دشمنی دارد؟

۸- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری نظامی دارد؟

۹- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری اقتصادی دارد؟

۱۰- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری فرهنگی دارد؟

۱۱- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری علمی دارد؟

۱۲- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری ورزشی دارد؟

۱۳- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری اجتماعی دارد؟

۱۴- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری سیاسی دارد؟

۱۵- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری فرهنگی دارد؟

۱۶- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری اقتصادی دارد؟

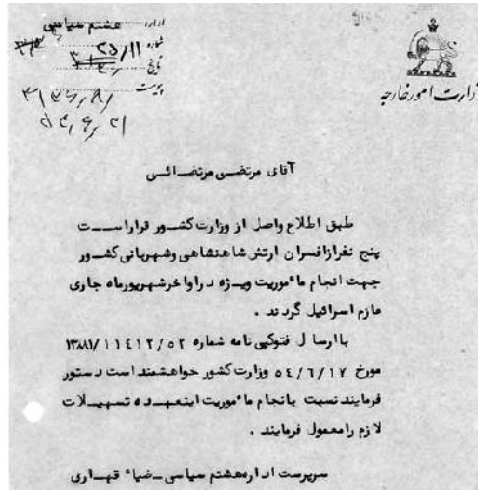
۱۷- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری علمی دارد؟

۱۸- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری ورزشی دارد؟

۱۹- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری اجتماعی دارد؟

۲۰- آیا ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایران همکاری سیاسی دارد؟

آرشیو اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سند شماره ۵۵-۳-۲۴ ش. مقایسه خریدهای نظامی کشورهای هم‌پیمان با آمریکا از جمله ایران، عربستان و اسرائیل



آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۵۴-۵۷-۱۳۲- ر



آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۵۵-۵۷-۱۳۲- ر

اعزام مأموران نظامی ایران به اسرائیل